

## مقایسه درک اصطلاحات فارسی شفاف، تیره و مبهم در کودکان فارسی زبان دختر و پسر سنین ۷ تا ۱۲ سال

مهديه کاروانپور<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه باهنر کرمان

رحیمه روح پرور

دکتری زبان شناسی دانشگاه باهنر کرمان

## چکیده

در این پژوهش روند درک و شناخت اصطلاحات زبان فارسی در کودکان دختر و پسر مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که اصطلاحات شامل کلمات و عباراتی هستند که به شکلی رایج در گفتگوهای روزمره استفاده می‌شوند و مفهوم اصطلاح را نمی‌توان از معنای تک تک لغات تشکیل دهنده‌ی آن‌ها حدس زد، بنابراین احتمال می‌رود درک اصطلاحات بر اساس سن و جنسیت متفاوت باشد. از این جهت برای بررسی این هدف در پژوهش حاضر، جامعه پژوهش شامل همه کودکان دختر و پسر سنین ۷ تا ۱۲ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بودند که تعداد ۲۴ نفر به روش در دسترس به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. جمع آوری داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه انجام پذیرفت. مطالب بدست آمده از مصاحبه و پرسشنامه، کدگذاری شد و در نرم افزار SPSS با استفاده از آزمون تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بدست آمده از پژوهش نشان داد که روند درک اصطلاحات در کودکان سنین ۷ تا ۱۲ سال متفاوت است و مشخص شد که درک اصطلاحات شفاف با میانگین کل برابر ۵/۳ (دختران با میانگین ۵/۷ و پسران با میانگین ۵) آسانترین و اصطلاحات مبهم نیز با میانگین کل ۳/۹ برای دو جنس (دختران با میانگین ۴/۵ و پسران با میانگین ۳/۴) دشوارترین اصطلاحات بوده است. اصطلاحات تیره نیز با میانگین کل ۴/۲ برای دو جنس (دختران با میانگین ۵/۱ و پسران با میانگین ۳/۲) در سطح متوسط بوده است. در پاسخ به این سؤال که کدام طبقه از اصطلاحات بر اساس موضوع برای بچه‌ها آسان‌تر و کدام طبقه دشوارتر بوده است، مشخص شد که اصطلاحات مربوط به غذاها، آسانترین و اصطلاحات مربوط به حیوانات دشوارترین بوده است. همچنین درک اصطلاحات در بین کودکان دختر و پسر متفاوت است. این بدین معنی که اثر جنسیت بر نمره کل اصطلاحات مربوط به حیوانات و غذاها معنادار بوده و بر درک اصطلاحات مربوط به اعضاء بدن، ویژگی‌های انسانی و اشیاء معنادار نبود. همچنین اثر تعامل بین جنسیت و سن فقط بر درک اصطلاحات مربوط به غذاها معنادار بوده است. بر طبق این نتایج، روند درک اصطلاحات شفاف تا تیره و مبهم در سنین ۷ تا ۱۲ سال مشخص شد. همچنین بر طبق تفاوت جنسیتی، توجه به رشد زبانی و درک اصطلاحات پسران در مقایسه با دختران و تقویت آن ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: روند درک، اصطلاحات شفاف، تیره و مبهم، کودکان دختر و پسر

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: yasikarvanpoor@gmail.com

اصطلاحات<sup>۲</sup> زبان، زنجیره‌های واژگانی‌اند که در اغلب موارد به لحاظ معنایی قابل تقطیع به واژه‌های سازنده‌شان نیستند؛ به این صورت که معنی خاص و استعاری یک اصطلاح پس از تثبیت کامل در ذهن گویشور، اغلب معنایی متفاوت با مجموعه معنای واژه‌های سازنده آن دارد (شکرآمیز و رقیب‌دوست، ۱۳۹۴). مفهوم اصطلاح را نمی‌توان از معناکردن تک تک لغات تشکیل دهنده‌ی آن‌ها حدس زد. اصطلاحات، کلمات و عباراتی‌اند که به شکلی رایج در گفتگوهای روزمره استفاده می‌شوند. اصطلاحات، ساخت‌های زبان‌شناختی‌اند که از نظر نحوی نیز ساختاری انعطاف‌پذیر ندارند، بدین صورت که بر خلاف جملات عادی زبان نمی‌توان همه‌ی فرآیندهای نحوی را درباره‌ی آن‌ها اعمال کرد (آزاد و منشی زاده، ۱۳۹۴). هزاران اصطلاحی که در زبان‌های مختلف به چشم می‌خورد حاکی از آنند که این عبارات بخش مهمی از زبان را به خود اختصاص داده‌اند تا جایی که گاه بیان برخی مفاهیم، به ویژه مفاهیم انتزاعی، بدون استفاده از اصطلاحات دشوار و بعضاً غیرممکن به نظر می‌رسد (راسخ‌مهند و شمس‌الدینی، ۱۳۹۱). کاربرد اصطلاحات چنان گسترده است که برای برقراری ارتباط مؤثر، چه در شنیدن و صحبت کردن و چه در خواندن و نوشتن کاملاً ضروری به نظر می‌رسند (لیه، ۲۰۱۴).

اصطلاحات را با توجه به ویژگی‌هایی از جمله شفافیت معنایی، شناخته شده بودن اصطلاح برای سخنگویان زبان‌ابهام تقسیم‌بندی می‌کنند (آزاد و منشی زاده، ۱۳۹۴). اصطلاحات تیره اصطلاحاتی‌اند که واژه‌های تشکیل دهنده‌شان نقشی در تشکیل معنای اصطلاحی آن‌ها ندارند. برای نمونه، معنای اصطلاح "دست از پا درازتر" به هیچ وجه از معنای واژه‌های تشکیل دهنده‌ی آن به دست نمی‌آید و این اصطلاح تیره به شمار می‌رود. در اصطلاحات شفاف<sup>۳</sup> معنی کل اصطلاح را می‌توان از معنای اجزای آن حدس زد به عنوان مثال معنای اصطلاح "مثل آب خوردن" را می‌توانیم از معنای اجزای سازنده‌ی آن به طور کلی حدس بزنیم زیرا معنای "کار آسان و ساده" را می‌توان تا حدودی از اجزای آن استنباط کرد (دانای طوسی، ۱۳۸۴). اصطلاحات مبهم<sup>۴</sup> نیز اصطلاحاتی‌اند که می‌توان آن‌ها را با هر دو معنای اصطلاحی و تحت‌اللفظی به کار برد. برای نمونه، جمله "نانش توی روغن است" افزون بر معنای اصطلاحی رایج خود، می‌تواند در بافت خاصی با معنای تحت‌اللفظی نیز کاربرد داشته باشد (ارسلان؛ و ممسنی، ۱۳۸۷). میزان آشنایی<sup>۵</sup> یکی از عوامل مؤثر در درک اصطلاحات است هر چه اصطلاح بسامد بیشتری داشته باشد و فرد بیشتر آن را شنیده باشد درک آن نیز راحت‌تر صورت می‌گیرد (راسخ‌مهند و شمس‌الدینی، ۱۳۹۱). سؤال اصلی پژوهش شامل بررسی تأثیر متغیرهایی مثل "آشنایی"، "شفافیت و تیرگی"، "ابهام" و "جنسیت و سن" بر درک اصطلاحات زبان فارسی در کودکان فارسی زبان بود. در راستای این سؤال هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل روند درک اصطلاحات فارسی در کودکان فارسی زبان و رده‌ی سنی ۷ تا ۱۲ سال بوده و همچنین تأثیر عواملی مثل سن، جنسیت، تیرگی، شفافیت و ابهام اصطلاحات، میزان آشنایی اصطلاحات و موضوع دسته بندی اصطلاحات، به عنوان نمونه اصطلاحات مربوط به اعضای بدن، حیوانات، غذاها و سایر دسته بندی‌ها بر میزان درک اصطلاحات در کودکان سنجیده شده است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و علی-مقایسه‌ای بود. در ابتدا، اصطلاحات مورد هدف از کتاب‌های فرهنگ اصطلاحات معروف ایران استخراج گردید. سپس اصطلاحات استخراج شده بر اساس موضوع طبقه‌بندی شد، که این طبقه-بندی شامل ۵ دسته‌ی اصطلاحات مربوط به اعضای بدن، ویژگی‌های انسانی، حیوانات، غذاها و اشیاء بودند. از هر دسته ۶

<sup>۲</sup>Idioms

<sup>۳</sup>Leah,

<sup>۴</sup>opaque idioms

<sup>۵</sup>Transparent idioms

<sup>۶</sup>Ambiguous idioms

<sup>۷</sup>Familiarity

اصطلاح (دو تا شفاف، دو تا مبهم، دو تا تیره) و جمعاً ۳۰ اصطلاح انتخاب شد. در نمونه‌های انتخابشده سعی شد همهی اصطلاحات فارسی از ساختاری مشابه برخوردار باشند و از انواع اصطلاحات شفاف، تیره و مبهم در آزمون گنجانده شد. هریک از اصطلاحات، غالباً سه تا شش کلمه داشتند و همچنین از اصطلاحاتی که از نظر ساختاری جمله‌ی مرکب بودند، برای تحلیل نمونه استفاده نشده است. البته ذکر این نکته بایسته است که پیوستاری وجود دارد که یک طرف آن نهایت شفافیت و طرف دیگر، نهایت تیرگی است و در میان این دو قطب پیوستار، درجاتی از تیرگی است؛ بنابراین تیرگی و شفافیت نسبت به هم سنجیده می‌شود (ارسلان؛ و ممسنی، ۱۳۸۷). برای این اساس سعی شد با توجه به سن کودک اصطلاحات تیره، شفاف و مبهم در نظر گرفته شود. در انتخاب اصطلاحات به مواردی همچون تناسب با سن کودک، و اصطلاحات آشنا برای کودک، توجه شد. سپس از کودکان آزمون شفاهی گرفته شد و پاسخ‌های آنان ضبط شد. آزمون پژوهش حاضر، به صورت انفرادی و در یکی از کلاس‌های مدارس اجرا شد.

آزمون بر روی ۲۴ کودک از مقطع دبستان دوره‌ی اول و دوم با دامنه‌ی سنی ۷ تا ۱۲ سال (از هر گروه سنی ۴ کودک) و در دو جنسیت دختر و پسر (هر گروه سنی شامل ۲ دختر و ۲ پسر) بود. البته ذکر این نکته بایسته است که در ابتدا دامنه‌ی سنی مورد نظر این پژوهش کودکان ۵ تا ۱۲ ساله بودند ولی پس از گرفتن پیش آزمون و موفق عمل نکردن کودکان ۵ و ۶ ساله این دو گروه سنی از جامعه‌ی این پژوهش حذف شده و دامنه‌ی سنی از ۵ سال به ۷ سال تغییر پیدا کرد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا از بین تمامی مدارس شهرستان بردسیر، دو مدرسه‌ی پسرانه و دو مدرسه‌ی دخترانه بطور تصادفی انتخاب شد. سپس از هر مدرسه سه کلاس انتخاب و از هر کلاس، تعداد ۲ نفر به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه، تک‌زبان بودن (فارسی زبان)، عدم ابتلا به بیماری‌های نورولوژیکی و روانپزشکی، و رضایت به مشارکت در آزمون بود، بنابراین همهی کودکان فارسی زبان، یک‌زبان و سالم بودند.

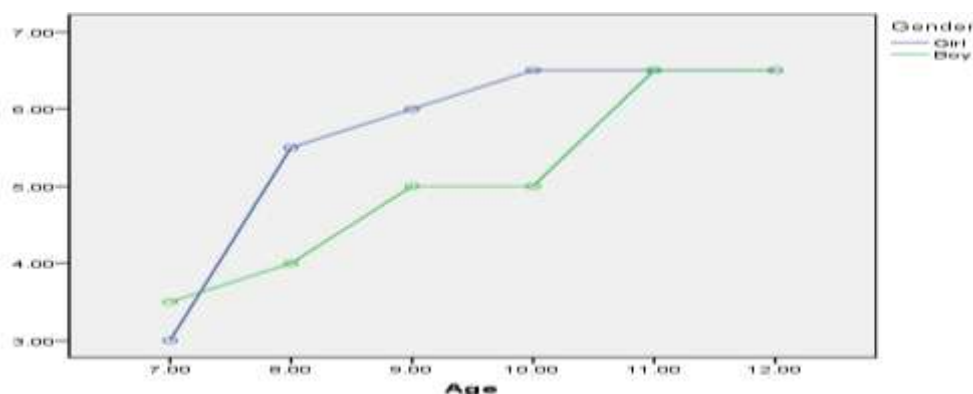
پس از گردآوری، داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری تجزیه و تحلیل شدند. جهت تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. ابتدا جهت توصیف داده‌ها از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی در آمار توصیفی استفاده شد. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی برای متغیرهای تحقیق بمنظور تحلیل توصیفی متغیرها قبل از آزمون فرضیات بررسی شدند. میانگین به عنوان مهم‌ترین شاخص مرکزی و انحراف معیار به عنوان مهم‌ترین شاخص پراکندگی محاسبه شد، انحراف معیار نیز پراکندگی داده‌ها را نشان داد. این اقدام بمنظور ارائه دیدگاهی کلی نسبت به جامعه آماری و شناخت بیشتر آن صورت گرفت. همچنین از جدول توافقی جهت تهیه توزیع فراوانی داده‌ها بر حسب سن و جنسیت استفاده شد. در بخش مربوط به استنباط داده‌ها، با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی، از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شد. در این پژوهش از آنجاییکه بررسی نقش دو عامل جنسیت و سن بر متغیرهای وابسته در بین دو گروه دختران و پسران مد نظر بود، بهترین روش آماری برای دستیابی به این اثرات، آزمون تحلیل واریانس دوطرفه بود. از این جهت، از روش تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شد.

اصطلاحات	اعضای بدن	انسانی	اشیاء	غذا	حیوانات
شفاف	چشم به راه	آدم پرحرف	مثل بید لرزیدن	مثل آب خوردن	بلبل زبانی کردن
	پوست و استخوان	آدم پولکی	مثل پرکاه	نخود هر آش شدن	مگس پراندن
تیره	دست از پا درازتر	آدم یک	به در میگه دیوار بشنوه	خود شیرینی کردن	اشک تمساح ریختن
	سر و کله زدن	دنده	کسی را سکه یک پول	دل کسی کباب شدن	خرچنگ قورباغه نوشتن
		آدم بزدل	کردن		
مبهم	انگشت به دهان ماندن	آدم کله گنده	سرکسی کلاه گذاشتن	آبغوره گرفتن	خر از پل گذاشتن
	دست از سرکسی برداشتن	بی دست و پا	آستین بالا زدن	از سیر تا پیاز	گاو پیشانی سفید

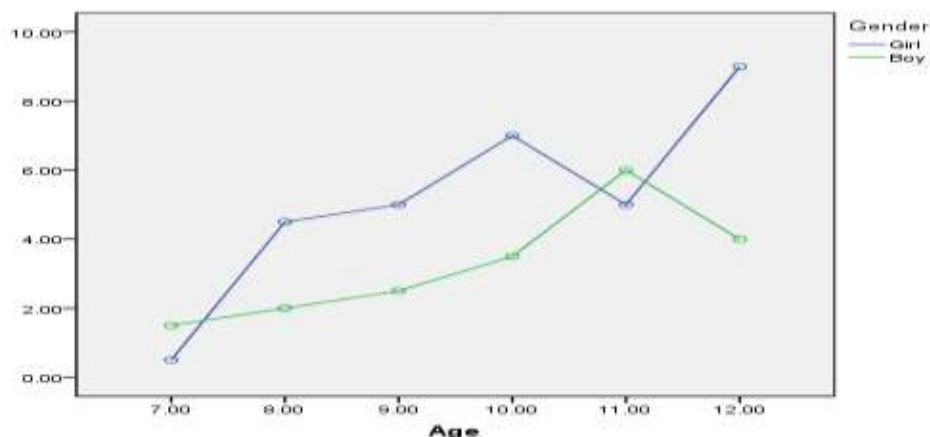
در جدول فوق ۳۰ اصطلاح بکار رفته در سنجش و ارزیابی درک کودکان از اصطلاحات فارسی بطور خلاصه گزارش شده است.

#### نتایج توصیفی مربوط به درک اصطلاحات شفاف، تیره و مبهم

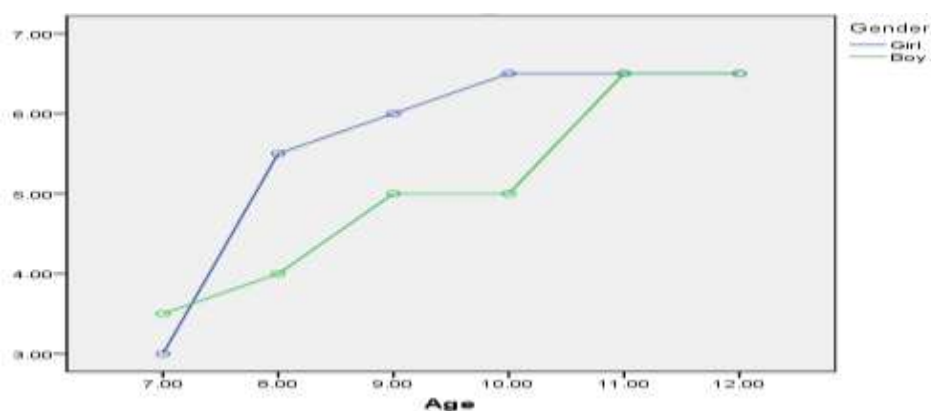
در ابتدا به بررسی اینکه چه تفاوتی بین درک اصطلاحات شفاف، تیره و مبهم وجود دارد و کدام دسته بهتر و بیشتر توسط بچه‌ها درک شده و کدام دسته کمتر درک شده است پرداخته می‌شود. در پاسخ به این سؤال مشخص شد که درک اصطلاحات شفاف با میانگین کل دو جنس برابر ۵/۳ (دختران با میانگین ۵/۷ و پسران با میانگین ۵) آسانترین اصطلاحات، و اصطلاحات مبهم نیز با میانگین کل ۳/۹ برای دو جنس (دختران با میانگین ۴/۵ و پسران با میانگین ۳/۴) دشوارترین اصطلاحات بوده است. اصطلاحات تیره نیز با میانگین کل ۴/۲ برای دو جنس (دختران با میانگین ۵/۱ و پسران با میانگین ۳/۲) در سطح متوسط بوده است.



نمودار ۱: مقایسه دختران و پسران سنین ۷ تا ۱۲ سال از لحاظ درک اصطلاحات شفاف



نمودار ۲- مقایسه دختران و پسران سنین ۷ تا ۱۲ سال از لحاظ درک اصطلاحات تیره



نمودار ۳: مقایسه دختران و پسران سنین ۷ تا ۱۲ سال از لحاظ درک اصطلاحات مبهم

### نتایج مربوط به فرضیه پژوهش

عواملی مثل جنسیت، سن و میزان آشنایی با اصطلاحات در درک اصطلاحات شفاف، مؤثر هستند.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس دوطرفه اثر سن و جنسیت بر درک اصطلاحات شفاف

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذور	F	سطح معناداری	ضریب اثر
اثر جنسیت بر درک	اصطلاحات شفاف در مورد اعضای بدن	.042	1	.042	.33	.574	.027
	اصطلاحات شفاف در مورد ویژگی‌های انسانی	.042	1	.042	.143	.712	.012
	اصطلاحات شفاف در مورد حیوانات	1.500	1	1.500	3.00	.109	.200
	اصطلاحات شفاف در مورد غذاها	.667	1	.667	8.00	.015	.400
	اصطلاحات شفاف در مورد اشیاء	.042	1	.042	.33	.574	.027
اثر سن بر درک	اصطلاحات شفاف در مورد اعضای بدن	1.875	5	.375	3.00	.050	.556
	اصطلاحات شفاف در مورد ویژگی‌های انسانی	2.208	5	.442	1.54	.257	.387
	اصطلاحات شفاف در مورد حیوانات	3.500	5	.700	1.40	.292	.368
	اصطلاحات شفاف در مورد غذاها	6.33	5	1.267	15.2	.000	.864
	اصطلاحات شفاف در مورد اشیاء	4.208	5	.842	6.73	.003	.737

مجله علمی تخصصی علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم  
دوره ۳، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۰، ۲۱۸-۲۰۸

.596	.034	3.53	.442	5	2.208	اصطلاحات شفاف در مورد اعضای بدن	
.257	.553	.829	.242	5	1.208	اصطلاحات شفاف در مورد ویژگی‌های انسانی	جنسیت
.200	.701	.600	.300	5	1.500	اصطلاحات شفاف در مورد حیوانات	سن *
.854	.000	14.0	1.167	5	5.833	اصطلاحات شفاف در مورد غذاها	
.122	.883	.33	.042	5	.208	اصطلاحات شفاف در مورد اشیاء	
			.125	12	1.500	اصطلاحات شفاف در مورد اعضای بدن	
			.292	12	3.500	اصطلاحات شفاف در مورد ویژگی‌های انسانی	
			.500	12	6.000	اصطلاحات شفاف در مورد حیوانات	اثر خطا
			.083	12	1.000	اصطلاحات شفاف در مورد غذاها	
			.125	12	1.500	اصطلاحات شفاف در مورد اشیاء	
				24	69.00	اصطلاحات شفاف در مورد اعضای بدن	
				24	77.00	اصطلاحات شفاف در مورد ویژگی‌های انسانی	
				24	50.00	اصطلاحات شفاف در مورد حیوانات	کل
				24	62.00	اصطلاحات شفاف در مورد غذاها	
				24	63.00	اصطلاحات شفاف در مورد اشیاء	

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل واریانس دوطرفه در جدول ۲ می‌توان گفت که اثر جنسیت فقط در مورد درک اصطلاحات شفاف مرتبط با غذاها مؤثر بوده است ولی در زمینه اصطلاحات مربوط به اعضای بدن، ویژگی‌های انسانی، حیوانات و اشیاء تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نشد. در حالیکه اثر سن بر درک اصطلاحات مربوط به اعضای بدن، غذاها و اشیاء معنادار بوده است. اثر تعاملی بین جنسیت و سن نیز فقط بر درک اصطلاحات مربوط به اعضای بدن و غذاها مؤثر بوده است. در مقایسه زوجی با توجه به نتایج مقایسه زوجی گروه دختران و پسران با استفاده از آزمون توکی مشخص شد که تفاوت در میانگین درک اصطلاحات شفاف مربوط به غذاها به نفع دختران است، و توانایی کودکان دختر جهت درک اصطلاحات شفاف مربوط به غذاها بیشتر از پسران می‌باشد. همچنین نتایج مقایسه زوجی میانگین درک اصطلاحات شفاف در سنین ۷ تا ۱۲ سالنشان داد که میانگین سنین ۹ و ۱۰ سال تفاوت معناداری با ۱۱ سال دارند، بدین شرح که نمرات یازده ساله‌ها بهتر است. از لحاظ درک اصطلاحات شفاف در مورد غذاها نیز تفاوت معناداری بین همه سنین مشاهده شد که طبق ستون تفاوت میانگین‌ها، مشخص می‌شود میانگین ۷ ساله‌ها از همه کمتر و ۱۲ ساله‌ها از همه بیشتر بوده است. مقایسه میانگین درک اصطلاحات شفاف در مورد اشیاء نیز بیانگر تفاوت سنین مختلف می‌باشد که طبق تفاوت میانگین‌ها مشخص شد میانگین گروه ۷ ساله‌ها کمتر از همه و میانگین ۱۲ ساله‌ها بیشتر از همه بوده است.

در ادامه بحث به بررسی نقش جنسیت و سن بر درک اصطلاحات تیره در بین دختران و سنین مختلف پرداخته می‌شود. اصطلاحات تیره برای همه گروه‌های سنی دشوارترین نوع اصطلاحات هستند.

## کاروانپور و روح پرور

عامل و منبع واریانس	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	df	میانگینم جذور	F	سطح معناداری	ضریب اثر
جنسیت	اصطلاحات تیره در مورد اعضای بدن	.346	1	.346	1.088	.319	.090
	اصطلاحات تیره در مورد ویژگی‌های انسانی	.615	1	.615	2.256	.161	.170
	اصطلاحات تیره در مورد حیوانات	2.978	1	2.978	21.842	.001	.665
	اصطلاحات تیره در مورد غذاها	4.167	1	4.167	12.500	.004	.007
	اصطلاحات تیره در مورد اشیاء	1.500	1	1.500	9.000	.011	.176
سن	اصطلاحات تیره در مورد اعضای بدن	2.33	5	.467	1.400	.292	.256
	اصطلاحات تیره در مورد ویژگی‌های انسانی	9.875	5	1.975	9.480	.001	.732
	اصطلاحات تیره در مورد حیوانات	4.500	5	.900	5.400	.008	.669
	اصطلاحات تیره در مورد غذاها	4.33	5	.867	2.600	.041	.433
	اصطلاحات تیره در مورد اشیاء	5.33	5	1.067	6.400	.004	.618
جنسیت * سن	اصطلاحات تیره در مورد اعضای بدن	.833	5	.167	.500	.771	.346
	اصطلاحات تیره در مورد ویژگی‌های انسانی	1.875	5	.375	1.800	.187	.374
	اصطلاحات تیره در مورد حیوانات	1.33	5	.267	1.600	.234	.410
	اصطلاحات تیره در مورد غذاها	2.833	5	.567	1.700	.209	.246
	اصطلاحات تیره در مورد اشیاء	2.500	5	.500	3.000	.055	.370
کل	اصطلاحات تیره در مورد اعضای بدن	32.00	23				
	اصطلاحات تیره در مورد ویژگی‌های انسانی	48.00	23				
	اصطلاحات تیره در مورد حیوانات	57.020	23				
	اصطلاحات تیره در مورد غذاها	68.00	23				
	اصطلاحات تیره در مورد اشیاء	43.00	23				

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل واریانس دوطرفه در جدول ۳ می‌توان گفت که اثر جنسیت در مورد درک اصطلاحات تیره مربوط به حیوانات، غذاها و اشیاء مؤثر بوده است. با این وجود در زمینه اصطلاحات مربوط به اعضای بدن و ویژگی‌های انسانی، تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نشده است. در حالیکه اثر سن در چهار طبقه بر درک اصطلاحات تیره مربوط به ویژگی‌های انسانی، حیوانات، غذاها و اشیاء معنادار بوده و فقط در زمینه اصطلاحات مربوط به اعضای بدن تفاوت معناداری بین سنین مختلف مشاهده نشد. همچنین اثر تعاملی جنسیت و سن بر درک اصطلاحات تیره معنادار نبوده است. جهت مشخص شدن اینکه میانگین کدام گروه بیشتر بوده، از آزمون تعقیبی زوجی استفاده شد که نتایج مقایسه زوجی میانگین‌ها نشان داد که از لحاظ درک اصطلاحات تیره در مورد ویژگی‌های انسانی، ۷ ساله‌ها تفاوت معناداری با ۱۰، ۱۱ و ۱۲ ساله‌ها دارند به صورتی که نمرات ۱۱ و ۱۲ ساله‌ها بالاتر است. از لحاظ درک اصطلاحات تیره در مورد حیوانات نیز ۷ ساله‌ها تفاوت معناداری با همه سنین داشتند که بر طبق نتایج مشاهده می‌شود که ۹ و ۱۲ ساله‌ها بیشترین میانگین را نشان داده‌اند.

مقایسه میانگین درک اصطلاحات تیره در مورد اشیاء نیز بیانگر تفاوت بین همه سنین می‌باشد که تفاوت میانگین‌ها، ۱۲ ساله‌ها بیشترین میانگین را کسب کرده‌اند.

در ادامه به بررسی نقش جنسیت و سن بر درک اصطلاحات مبهم در بین دختران و سنین سنین مختلف پرداخته می‌شود.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس دوطرفه اثر سن و جنسیت بر درک اصطلاحات مبهم

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	d f	میانگین مجذور	F	سطح معناداری	ضریب اثر
جنسیت	اصطلاحات مبهم در مورد اعضای بدن	1.042	1	1.042	8.33	.014	.077
	اصطلاحات مبهم در مورد ویژگی‌های انسانی	.000	1	.000	.000	1.00	.032
	اصطلاحات مبهم در مورد حیوانات	.375	1	.375	3.00	.109	.250
	اصطلاحات مبهم در مورد غذاها	1.500	1	1.500	6.00	.031	.023
	اصطلاحات مبهم در مورد اشیاء	.042	1	.042	.111	.745	.097
سن	اصطلاحات مبهم در مورد اعضای بدن	3.875	5	.775	6.20	.005	.538
	اصطلاحات مبهم در مورد ویژگی‌های انسانی	1.33	5	.267	.800	.571	.318
	اصطلاحات مبهم در مورد حیوانات	1.208	5	.242	1.93	.162	.806
	اصطلاحات مبهم در مورد غذاها	9.833	5	1.967	7.86	.002	.391
	اصطلاحات مبهم در مورد اشیاء	5.708	5	1.142	3.04	.050	.556
جنسیت * سن	اصطلاحات مبهم در مورد اعضای بدن	2.208	5	.442	3.53	.034	.400
	اصطلاحات مبهم در مورد ویژگی‌های انسانی	2.00	5	.400	1.20	.366	.318
	اصطلاحات مبهم در مورد حیوانات	.875	5	.175	1.40	.292	.538
	اصطلاحات مبهم در مورد غذاها	1.000	5	.200	.800	.571	.250
	اصطلاحات مبهم در مورد اشیاء	3.708	5	.742	1.98	.155	.282
کل	اصطلاحات مبهم در مورد اعضای بدن	34.00	24				
	اصطلاحات مبهم در مورد ویژگی‌های انسانی	18.00	24				
	اصطلاحات مبهم در مورد حیوانات	24.00	24				
	اصطلاحات مبهم در مورد غذاها	68.00	24				
	اصطلاحات مبهم در مورد اشیاء	55.00	24				

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل واریانس دوطرفه در جدول ۴ می‌توان گفت که اثر جنسیت بر دو طبقه از اصطلاحات مبهم همچون اصطلاحات مربوط به اعضای بدن و غذاها معنادار بود. علاوه بر این در مورد اثر سن نیز مشخص شد که از لحاظ درک اصطلاحات مبهم مربوط به اعضای بدن، غذاها و اشیاء تفاوت معناداری بین سنین مورد پژوهش وجود داشت و فقط در زمینه اصطلاحات مربوط به ویژگی‌های انسانی و حیوانات تفاوت معناداری مشاهده نشد. در مورد اثر تعاملی جنسیت و سن



نیز مشاهده می‌شود که فقط از لحاظ درک اعضای بدن تفاوت معناداری بین دختران و پسران سنین مختلف وجود داشت که جهت روشن شدن میزان تفاوت بین گروه‌ها، از آزمون زوجی استفاده شد و نتایج آن نشان داد که از لحاظ درک اصطلاحات مبهم مربوط به اعضای بدن و غذاها در بین دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد و نتایج دختران بهتر از پسران بوده است. همچنین با توجه به مقایسه زوجی میانگین‌ها در بین سنین مختلف مشاهده می‌شود که از لحاظ درک اصطلاحات مبهمدر مورد اعضای بدن، ۹ ساله‌ها با همه گروه‌های سنی (به استثناء ۸ساله‌ها) تفاوت معناداری داشتند و نمرات بالاتری داشتند. درحالی‌که از لحاظ درک اصطلاحات مبهمدر مورد ویژگی‌های انسانی، فقط بین دو سن ۷ ساله‌ها و ۱۰ ساله‌ها تفاوت معناداری وجود داشت که نمرات ۱۰ ساله‌ها بالاتر بود. اما از لحاظ درک اصطلاحات مبهم در مورد حیوانات بین همه سنین تفاوت معناداری مشاهده شد که میانگین ۱۲ساله‌ها بیشتر از بقیه سنین بود. از لحاظ درک اصطلاحات مبهمدر مورد غذاها، نیز مشخص شد که ۷ ساله‌ها فقط با ۱۰ و ۱۱ساله‌ها تفاوت معناداری داشتند و نمرات ۷ ساله‌ها پایین تر از بقیه بود. در نهایت مقایسه میانگین درک اصطلاحات مبهم در مورد اشیاء نیز بیانگر تفاوت بین همه سنین بود که ۱۱ و ۱۲ ساله‌ها بیشترین میانگین را کسب کرده بودند.

### نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از پژوهش نشان داد که از لحاظ درک اصطلاحات شفاف، بیشترین میانگین برای دختران و پسران ۱۲ و ۱۱سال بود. بدین معنی که با افزایش سن، میانگین درک دختران از اصطلاحات مربوط به غذاها و حیوانات نیز بالا می‌رفت. در این راستا پوررقیب(۱۳۶۳)، در پژوهش خود تحت عنوان "رشد طبیعی گفتار و زبان کودک از تولد تا هفت سالگی" بیان کرده است که پسران در شروع گفتار از دختران عقب تر هستند، ولی این تأخیر در درازمدت جبران می‌شود. وی بر فراوانی بیشتر اختلالات و ناهنجاری‌های زبان به خصوص لکنت زبان و نارساخوانی در پسران نسبت به دختران تأکید کرده است. درسال‌های پیش از مدرسه و نیز سال‌های اولیه مدرسه، دختران از پسران در اکثر جنبه‌های کلامی پیشی می‌گیرند، دختران اولین کلمه‌ها را در سن پایین‌تر و واضح‌تر از پسران بیان می‌کنند و هنگام تعریف تجربیات شخصی‌شان جملات طولانی‌تر را به کار می‌برند و به طور کلی روان‌تر از پسران صحبت می‌کنند و دلیل آن‌ها گفتگوی متفاوت والدین پیرامون رخدادها و قصه‌ها با دختران نسبت به پسران می‌باشد. از طرف دیگر اثر سن بر درک اصطلاحات شفاف مربوط به اعضای بدن، غذاها و اشیاء معنادار بوده ولی در زمینه اصطلاحات شفاف مربوط به ویژگی‌های انسانی و حیوانات تفاوت معناداری بین سنین مختلف مشاهده نشد. همچنین مقایسه زوجی میانگین‌ها در جدول ۳ نشان داد که میانگین درک اصطلاحات شفاف مربوط به اعضای بدن در کودکان سن ۱۱ سال، تفاوت معنادار با کودکان سن ۹ و ۱۰ سال دارد و نمرات یازده ساله‌ها بهتر است. از لحاظ درک اصطلاحات شفاف در مورد غذاها نیز ۱۲ ساله‌ها از همه بهتر بودند و تفاوت معناداری بین همه سنین مشاهده شد که طبق تفاوت میانگین‌ها مشخص می‌شود میانگین ۷ساله‌ها از همه کمتر و ۱۲ ساله‌ها از همه بیشتر بوده است. مقایسه میانگین درک اصطلاحات شفاف در مورد اشیاء نیز بیانگر تفاوت سنین مختلف می‌باشد که طبق تفاوت میانگین‌ها مشخص می‌شود که میانگین گروه ۷ساله‌ها کمتر از همه و میانگین ۱۲ ساله‌ها بیشتر از همه بوده است. این یافته در راستای مطالعات پیشین مبنی بر تفاوت جنسیتی و سنی کودکان در درک اصطلاحات می‌باشد. بطور مثال طبق پژوهش اسپکتور (۱۹۹۶)، کودکان اصطلاحات آشنا و شفاف را سریع‌تر از دیگر گونه‌های عبارات اصطلاحی پردازش می‌کنند. لاکرکسا، آگورت و ...<sup>۸</sup>(۲۰۱۰) نشان دادند افزایش دانش معنی‌شناختی و فهم معنای اصطلاحات با افزایش سن در ارتباط است.

همچنین نتایج بدست آمده از مقایسه اصلاحات تیره نشان داد که اثر سن بر درک اصطلاحات تیره و مبهم مربوط به ویژگی‌های انسانی، حیوانات و اشیاء معنادار بوده ولی در زمینه اصطلاحات مبهم مربوط به اعضای بدن و غذاها تفاوت معناداری بین

<sup>۸</sup>Lacroixa, Marc Aguerthb, VirginieDardier a, VesnaStojanovikc and VirginieLavalb

سنین مختلف مشاهده نشد. بطور جزئی از لحاظ درک اصطلاحات تیره، بیشترین میانگین برای دختران ۱۲ سال بود و از لحاظ درک اصطلاحات مبهم، بیشترین میانگین برای دختران سنین ۱۰ سال بود.

این یافته در راستای نتایج پژوهش والچانوا و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۱۱) است که در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که کودکان زیر نه سال درک صحیحی از اصطلاحات ندارند. علاوه بر این در این راستا الیسیوا و مارینی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان "درک عبارات اصطلاحی در کودکان روسی زبان، عادی و در حال رشد" نوشتند که توانایی درک عبارات اصطلاحی در سنین اولیه، شروع به رشد می‌کند. آنها درک اصطلاحات را در کودکان ۴ تا ۱۲ ساله روسی بررسی کرده و نتیجه گرفتند که کودکان در سن پیش دبستانی هنوز قادر به درک اصطلاحات نبودند و تا سن شش سالگی معنای تحت‌اللفظی اصطلاحات را انتخاب می‌کردند و از سن هفت سالگی به تدریج میزان درک افزایش می‌یافت. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر و مطالعات پیشین، (الیسیوا و گاتس و مارینی (۲۰۱۷)، هاتوتی، گیل و لاول<sup>۱۱</sup> لاکرکسا، آگورت و ... (۲۰۱۰)، می‌توان بیان کرد که تحلیل کودکان فارسی زبان نیز بیانگر این است که می‌توان اصطلاحات را در زبان فارسی با توجه به تفاوت معناشناختی آنها ارائه داد، گونه‌هایی که لاجرم نگاه ویژه‌ای به ویژگی‌های "آشنایی"، "ابهام"، "شفافیت معنایی" و "قابلیت پیش بینی تمثیلی" معطوف می‌دارند.

بر این اساس در تبیین نتایج پژوهش حاضر می‌توان چنین استدلال کرد که سن در روند درک اصطلاحات فارسی عاملی محسوب می‌شود که ظاهراً به علت ظرفیت‌های شناختی بیشتر و تجربیات طولانی‌تر در مهارت‌های زبانی، اجتماعی و ارتباطی است. در این راستا مطلوبی و همکاران (۱۳۹۶) بیان می‌کنند همان‌طور که کودکان در دوران مدرسه پیش می‌روند، انتظار می‌رود که توانایی درک اصطلاحات در آنها افزایش یابد چرا که بسیاری از مباحث آموزشی با درک اصطلاحات ارتباط نزدیکی دارد.

#### منابع

- آزاد، امید؛ منشی زاده، مجتبی (۱۳۹۴). رویکردهای غالب روان‌شناختی زبان پیرامون فرآیند درک اصطلاح. *جستارهای زبانی*. ۶(۱)، ۱-۲۰.
- پورقربیب، جمشید. ۱۳۶۳. رشد طبیعی گفتار و زبان در کودک از تولد تا ۷ سالگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. تهران.
- دانای طوسی، مریم. (۱۳۸۴). اثرات شفافیت و تیرگی خط فارسی بر مهارت زبانی خواندن کودکان طبیعی و خوانش‌پریش رشدی فارسی‌زبان. رساله دکتری. تهران. دانشگاه تهران.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناختی شناختی نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شکرآمیز، منصوره و رقیب دوست، شهلا (۱۳۹۴) درک اصطلاحات فارسی در بیماران زبان پریش، دو ماهنامه‌ی جستارهای زبانی، ۶، ۲۰۰-۱۸۵.
- صحرايي، رضامراد (۱۳۹۳). روند رشد عوامل انسجام در کودکان فارسی زبان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- صفوی، مولودالسادات (۱۳۹۱). مطالعه‌ی پردازش ساختاری و معنایی اصطلاحات زبان فارسی بر پایه‌ی روش ای آر پی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

<sup>9</sup>Vulchanova, M., Vulchanov, V., & Stankova

<sup>10</sup>Eliseeva, N., & Marini, A.

<sup>11</sup>Hattouti, J., Gil, S., & Laval, V.

گلفام ارسلان؛ و ممسنی، شیرین (۱۳۸۷). بررسی راهبردهای شناختی استعاره و کنایه تصویری در اصطلاحات حاوی اعضای بدن، نشریه پازند، شماره ۱۲.

- Eliseeva, N., & Marini, A. (2017). Comprehension of idiomatic expressions by Russian speaking preschoolers with typical development. In *Научнонаследие ВА Богородицкого и современный вектор исследований Казанской лингвистической школы* (pp. 78-81).
- Hattouti, J., Gil, S., & Laval, V. (2016). The development of idiom comprehension: A review. *L'Année psychologique*, 116(1), 105-136.
- Lacroix, A., Aguert, M., Dardier, V., Stojanovik, V., & Laval, V. (2010). Idiom comprehension in French-speaking children and adolescents with Williams' syndrome. *Research in Developmental Disabilities*, 31(2), 608-616.
- Leah, C. (2014). *Idioms-grammaticality and figurativeness*. University of Oradea.
- Vulchanova, M., Vulchanov, V., & Stankova, M. (2011). Idiom comprehension in the first language: a developmental study. *Vigo International Journal of Applied Linguistics*, 8.